

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ن. ن- کابل

اول اکتبر ۲۰۱۱

## داکتر فیل و حلقه گمشده اش

چپ خط بینی کشیده، مظاهره چی ضد امریکا، دموکرات غرب دیده و بالاخره شاگرد مکتب فرانکفورت که بعد از ته و بالا دویدن های فراوان در جلد مشاور امنیتی کشور بی در و دروازه افغانستان به عنوان مأمور معذور ایفای وظیفه می کند باز با صراحت خروسگونه قد قد بلندی را در شبکه بی بی سی به اطلاع رسانیده است که کودک مکتب نرفته پشت دروازه های چهاراهی زنبق کابل که مصروف روزنامه فروشی و موترشویی است نیز آن رانیک می داند .

"تجارب چند ماه اخیر (نشان داد که) صدای صلح طلبی حکومت افغانستان با یک پاسخ مثبت مواجه نشد و یک بار دیگر به تجربه دریافتیم که در پشت این همه حملات تروریستی، خرابکاری و قتل نخبگان سیاسی افغانستان کلا استخبارات پاکستان نهفته است."

"گفت و گوهای بی حاصل صلح را آنگونه که تاحالا بوده، با افراد فاقد صلاحیت و افراد مشکوک پایان می دهیم." این جنگ بی فرجام بدون شک حلقه های گم شده ای دارد، اما با اطمینان می توان گفت که چند تا از آن حلقه های گمشده در کابل است .

تا زمانی که این حلقه های گمشده دریافت نگردد و با آن برخورد کارشناسانه، تخصصی و مبتنی بر منافع ستراتیژیک و ملی افغانستان صورت نگیرد، جست و جوی یک حلقه گم شده در اسلام آباد و یا تهران و یا ریاض، مشکل ما را حل نخواهد کرد. ما این حلقه ها را باید به هم پیوند بزنیم تا آنچه که گمشده شده است؛ به دست بیاید." مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری روز پنجشنبه گفته است که حکومت از هر نوع کمک در زمینه باز کردن یک دفتر نمایندگی برای طالبان از سوی ترکیه در خاک این کشور استقبال می کند .

«رنگین دادر سپنتا»، مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری در گفت و گو با رادیوی اروپای آزاد گفته است که این دفتر نمایندگی می تواند در روند گفت و گوها با جنگجویان سهولت ایجاد کند .

سپنتا گفته است که ترکیه یکی از کشورهای بسیار قابل اعتماد برای مردم و حکومت افغانستان است."

سطر های بالا همه يك گوشه ای از نقل قول های "ایشان" است که در فاصله زمانی کمتر از یکسال در رسانه های گوناگون بازتاب یافته است .

نگاه کوتاه چنین و ا می نمایاند که تناقض گویی و پارادوکس محتوایی این گفته ها از تراش يك مغز سالم یا متعهد یا معتقد و در نهایت با وجدان نمی تواند باشد. گاهی که این شاخه پریهای "استاد" را می بینیم همان قصه معروف و بی صاحب داکتر فیل که بین کابلیان نقل است به یاد می آید که کسی در روزگار پیش گویا از خارجه آمده بود و با دبدبه می گفت که من دکترای خود را در فیل گرفتم و عامیان ساده و فیل نشناس نیز باورش کردند و تکریمش را واجب انگاشتند. چندی بعد که یگانه فیل باغ وحش بیمار گشت تمام امید به این داکتر برگشته از ماورای ابحار بود و ایشان را با اعزاز بر بالین پیل کهن سال بردند. باز نقل است که داکتر ساعت ها دور و بر این جسم غول پیگر می گشت و زمانی که چاره کار را جویا شدند با همین صراحت خروس گونه جواب داد که اگر سر و کونش را به من نشان بدهید من علاجش خواهم توانست.

حال قصه این "پیر فیلسوف" چهره ما نیز بی شباهت به داکتر فیل نیست که درست چند ماه قبل داستان حلقه گمشده اش عنوان کرد و وفاداران قلم به دستش نیز در رکلام آن بی دریغ نوشته ها کردند و بعد از ایجاد دفتر طالبان در ترکیه استقبال کرده که به گونه ای پذیرفتن رسمی اینهاست و حال می گوید که ما با تجربه این چند ماه اخیر دریافتیم که حلقه در اسلام آباد است و شاید این خیال خوش را نیز می پروراند که برود به مثلا بیوه خانم بوتو بگوید شما باید از حمایت خود دست بردارید و جناب زرداری بگوید:

**"تیک هی بانی جان"**

مسخره است که وقتی خطر تا بیخ گلوی این ها نمی رسد دنیای پر آب برای این مرغابیان بی خطر جلوه می کند و حالا که یکی دیگر از مهره های نزدیک به آی اس آی پاکستان شاید نه حالا بلکه در همان سالهای حمام خون کابل به درك واصل شده این فیلسوف خوش خرام و بالرین عرصه سیاست از او به عنوان نخبه یاد می کند . زهی نامردی و شرف باختگی .

تصویر مشهور ربانی و گلبدین که با ناز عروس و داماد مانند و قهر رو های مبارک شان را در زوایه قائمه گرفته اند و يك پاکستانی آنان را آشتی می دهد پیش چشم همه است و نخبه نامیدن این چنین يك عنصر باز جفا است برخون های ریخته و ناشناخته مردم بی گناه افغانستان .

سوال من از جامعه روشنگر و نا وابسته افغانستان این است که دست زیر زرخ گذاشته و این مهملات را برتابیم و یا اینکه با انسجام و ناگسیختگی برداعیه باطل این بوقلمون صفتان خط نفی بکشیم ؟

چگونه می شود که گروگان های جوان نسل امروزی افغانستان را که نا خواسته شیوه های سازشکارانه این روبه صفتان محیل را فرا راه کار خود قرار خواهند داد و زیر تاثیر کاریزماتیک این منادیان بی عرضه که جفاکاران بی بدیل سرنوشت نسل های بعد نیز خواهند بود، به حقیقت نزدیک و آشنا ساخت .

چطور می شودتا به آنان حالی کرد به عناوین داکتر و برگشته از غرب و صراحت های بی جاغور که در اولین و شاید دومین شنیدن خون وطن دوستی را به جوش می آورد باور نکرد و سر تائید نجباند و چطور می شود به آنان گفت که بعد این ها با این چشمه های جوشان و خروشان به معامله خودی سرگرم می گردند و دررخوت تنعم و شهوت قدرت مردم عام و مکتب نرفته افغانستان را وحشی و مستحق چنین عقوبت هائی می شمارند چرا که دردانه های خودشان در بهترین شرایط در آن طرف آب ها می زینند و خیلی هم شاد می زینند .

کابل- هشتم میزان ۱۳۹۰